



Abstract

The growing use of generative artificial intelligence systems to answer religious questions has made the ethical evaluation of AI-generated religious information an emerging challenge in applied ethics. This study aims to articulate the ethical principles that should guide users' engagement with such information. It adopts a descriptive-analytical method, drawing on Qur'ānic verses, Islamic hadiths, and contemporary studies on AI ethics. The collected data were examined through conceptual analysis and an analysis of textual implications. The findings identify four ethical principles governing engagement with religious information generated by generative AI systems: information verification, epistemic responsibility, the preservation of epistemic agency alongside calibrated reliance, and consultation with qualified authorities on specialized matters. The study also underscores the need to foster a critical approach among users of this technology and to apply religious criteria when evaluating AI-generated responses. From the perspective of the Qur'ān and hadith, therefore, generative AI cannot be regarded as an independent religious authority. Rather, it is an assistive tool whose legitimate use depends on the user's critical evaluation of its outputs and recourse to authoritative sources.

Keywords: Generative artificial intelligence; religious information; ethical analysis; conversational AI; Qur'ān; hadith.

A Qur'ān- and Hadith-Based Ethical Analysis of Engagement with Religious Information Generated by Conversational Generative AI Systems

Mehdi Habibollahi

Assistant Professor, Department of Foreign Languages and Intercultural Studies, Baqir al-Uloom University, Qom, Iran.

habibollahi@gmail.com



چکیده

گسترش سامانه‌های هوش مصنوعی مولد در پاسخ‌گویی به پرسش‌های دینی، مسئله‌ی ارزیابی اخلاقی اطلاعات تولیدشده توسط این سامانه‌ها را به یکی از مسائل نوپدید اخلاق کاربردی تبدیل کرده است. پژوهش حاضر با هدف تبیین اصول اخلاقی مواجهه کاربران با این اطلاعات، با روش توصیفی تحلیلی انجام شد. داده‌های پژوهش از آیات قرآن کریم، احادیث اسلامی و مطالعات معاصر اخلاق هوش مصنوعی گردآوری و با تحلیل مفهومی و دلالتی بررسی شد. یافته‌ها نشان داد که در مواجهه با اطلاعات دینی تولیدشده توسط سامانه‌های هوش مصنوعی مولد، چهار اصل اخلاقی قابل استخراج است: اعتبارسنجی اطلاعات، مسئولیت معرفتی، حفظ عاملیت معرفتی همراه با اتکای سنجیده، و رجوع به مرجع معتبر در مسائل تخصصی. همچنین در نتایج پژوهش بر ضرورت تقویت رویکرد نقادانه کاربران در بهره‌گیری از این فناوری و توجه به معیارهای دینی در ارزیابی پاسخ‌ها تأکید شده است. بر این اساس، هوش مصنوعی مولد از منظر قرآن و حدیث مرجع مستقل دینی نیست، بلکه ابزاری کمکی است که اعتبار بهره‌گیری از آن به ارزیابی نقادانه کاربر و مراجعه به منابع معتبر وابسته است.

کلیدواژه‌ها: هوش مصنوعی مولد، اطلاعات دینی، تحلیل اخلاق، گفت‌وگومحور، قرآن، حدیث.

تحلیل اخلاقی مواجهه با اطلاعات دینی تولیدشده توسط سامانه‌های هوش مصنوعی مولد گفت‌وگومحور بر پایه قرآن و حدیث

گسترش سامانه‌های هوش مصنوعی مولد در سال‌های اخیر، شیوه تولید، پردازش و دسترسی به اطلاعات را به‌طور چشمگیری دگرگون کرده است. این سامانه‌ها که عمدتاً بر مدل‌های زبانی بزرگ استوارند، فقط ابزارهایی برای بازیابی اطلاعات نیستند، بلکه می‌توانند در قالب گفت‌وگویی تعاملی به پرسش‌های کاربران پاسخ دهند، متون تخصصی تولید کنند، تحلیل ارائه دهند و پیشنهادهایی متناسب با نیاز مخاطب عرضه کنند. قابلیت تولید پاسخ‌های منسجم و متناسب با پرسش کاربر سبب شده است که این سامانه‌ها در حوزه دین نیز برای پاسخ‌گویی به پرسش‌های اعتقادی، اخلاقی، تفسیری و فقهی استفاده شوند. مقصود از این سامانه‌ها، ابزارهای گفت‌وگو محور مبتنی بر مدل‌های زبانی بزرگ، مانند چت‌جی‌پی‌تی و جمینای^۱ است که در نقش دستیار پاسخ‌گو، تحلیل‌گر و تولیدکننده متن دینی مورد استفاده کاربران قرار می‌گیرند.

این تحول، صرفاً به تغییر ابزارهای دسترسی به اطلاعات محدود نمی‌شود، بلکه شیوه شکل‌گیری اعتماد معرفتی کاربران را نیز تحت‌تأثیر قرار داده است. پیش از ظهور سامانه‌های هوش مصنوعی مولد، گسترش اینترنت، رسانه‌های اجتماعی و پایگاه‌های اطلاعاتی دیجیتال، مرجعیت سنتی در انتقال دانش دینی را با چالش‌هایی همچون تکرار منابع، کاهش انحصار نهادهای رسمی و ظهور کنشگران جدید در عرصه تولید و انتشار معرفت دینی مواجه ساخته بود. سامانه‌های هوش مصنوعی مولد مرحله‌ای تازه از این تحول به شمار می‌آیند؛ زیرا برخلاف موتورهای جست‌وجو یا پایگاه‌های اطلاعاتی، خود به تولید پاسخ‌های ترکیبی و ظاهراً مستقل می‌پردازند و از این رو می‌توانند ادراک کاربران از منبع، تخصص و اقتدار معرفتی را دگرگون سازند (طیبی، ۱۴۰۴؛ اسلامی، ۱۴۰۴؛ Sundar, 2020) در چنین شرایطی، مسئله اصلی صرفاً صحت یا نادرستی پاسخ‌های تولیدشده نیست، بلکه چگونگی مواجهه اخلاقی کاربران با این پاسخ‌هاست. آیا می‌توان اطلاعات دینی تولیدشده توسط این سامانه‌ها را مبنای باور، استناد یا عمل قرار داد؟ حدود اعتماد به این پاسخ‌ها چیست؟ در صورت خطا، جعل منبع، اختلاط دیدگاه‌های مذهبی یا ارائه پاسخ‌های فاقد پشتوانه معتبر، مسئولیت اخلاقی متوجه چه کسی است؟ و آیا افزایش مراجعه کاربران به این سامانه‌ها به معنای برخورداری آن‌ها از مرجعیت معرفتی یا دینی است، یا صرفاً بیانگر استفاده ابزاری از آن‌ها برای دسترسی به اطلاعات دینی است؟

1. ChatGPT & Gemini.

پژوهش‌های معاصر در حوزه اخلاق هوش مصنوعی، اعتماد به سامانه‌های هوشمند، مرجعیت الگوریتمی، عاملیت انسانی و نسبت دین و فناوری، هر یک بخشی از این مسائل را بررسی کرده‌اند؛ اما اغلب این پژوهش‌ها یا در چارچوب اخلاق سکولار و فلسفه فناوری انجام شده‌اند یا بر ابعاد فنی، حقوقی و مدیریتی هوش مصنوعی تمرکز داشته‌اند. از سوی دیگر، پژوهش‌های اسلامی موجود عمدتاً به امکان‌سنجی استفاده از هوش مصنوعی در علوم دینی یا بررسی احکام فقهی آن پرداخته‌اند. در مجموعه منابع بررسی شده، پژوهشی یافت نشد که با تمرکز بر سامانه‌های هوش مصنوعی مولد، نسبت میان ویژگی‌های خاص این سامانه‌ها و وظایف اخلاقی کاربران را با استناد منظم به قرآن کریم و احادیث اسلامی، در قالب یک چارچوب تحلیلی واحد بررسی کرده باشد. این پژوهش با روش توصیفی تحلیلی و با گردآوری کتابخانه‌ای داده‌ها انجام شده است. بدین منظور، ابتدا با بررسی مطالعات مرتبط با اخلاق هوش مصنوعی و کاربرد سامانه‌های مولد در حوزه دین، مهم‌ترین مسائل اخلاقی مواجهه کاربران با اطلاعات دینی شناسایی شد؛ سپس آیات قرآن کریم، روایات اسلامی و تفاسیر مرتبط بررسی و دلالت‌های اخلاقی آن‌ها در نسبت با مسائل یادشده تحلیل گردید. برای بازیابی آیات و روایات از «جامع‌التفاسیر نور»، «جامع‌الاحادیث نور» و «پایگاه حدیث‌نت» و برای بررسی پیشینه از پایگاه‌های Scopus، Web of Science، Google Scholar، SID، Magiran و نورمگز استفاده شد.

دغدغه این پژوهش، ارزیابی اخلاقی خود فناوری یا داوری درباره همه کاربردهای هوش مصنوعی نیست؛ بلکه تبیین ضوابط اخلاقی مواجهه کاربران با اطلاعات دینی تولیدشده توسط سامانه‌های هوش مصنوعی مولد است. از این رو، قلمرو پژوهش به فرایند دریافت، ارزیابی، پذیرش و به‌کارگیری این اطلاعات محدود می‌شود و موضوعاتی مانند طراحی فنی سامانه‌ها، مسئولیت حقوقی شرکت‌های توسعه‌دهنده یا ارزیابی تجربی عملکرد مدل‌های زبانی را دربرنمی‌گیرد. بر این اساس، سؤال اصلی پژوهش چنین صورت‌بندی می‌شود:

مواجهه کاربران با اطلاعات دینی تولیدشده توسط سامانه‌های هوش مصنوعی مولد، بر پایه چه اصول اخلاقی برگرفته از قرآن کریم و احادیث اسلامی باید سامان یابد؟

این پژوهش ناظر به اخلاق استفاده از اطلاعات دینی تولیدشده توسط سامانه‌های هوش مصنوعی از منظر کاربر است و مسئولیت‌های اخلاقی توسعه‌دهندگان، شرکت‌های ارائه‌دهنده و سیاست‌گذاران فقط در حدی بررسی می‌شود که با مسئولیت کاربر ارتباط پیدا کند.

۲. دامنه پژوهش و مفاهیم کلیدی

۲.۱. سامانه‌های هوش مصنوعی مولد

مقصود از «سامانه‌های هوش مصنوعی» در این پژوهش، همه گونه‌های هوش مصنوعی نیست، بلکه سامانه‌های هوش مصنوعی مولد^۱ گفت‌وگومحور^۱ است که بر پایه مدل‌های زبانی بزرگ^۲ عمل می‌کنند و توانایی تولید متن، پاسخ‌گویی به پرسش‌ها، خلاصه‌سازی، تحلیل و ترکیب اطلاعات را دارند. این سامانه‌ها برخلاف موتورهای جست‌وجوی متعارف، صرفاً اطلاعات موجود را بازیابی نمی‌کنند، بلکه با پردازش داده‌های آموزشی، پاسخ‌هایی جدید و متناسب با پرسش کاربر تولید می‌کنند؛ از این رو، ممکن است پاسخ‌های آن‌ها در کنار برخورداری از انسجام زبانی، با خطا، سوگیری یا اطلاعات فاقد پشتوانه معتبر نیز همراه باشد (Sundar, 2020؛ Ryan, 2020).

در این پژوهش، هرگاه از «هوش مصنوعی» سخن گفته می‌شود، مقصود همین دسته از سامانه‌های مولد گفت‌وگومحور است و نتایج مقاله به سایر شاخه‌های هوش مصنوعی، مانند سامانه‌های بینایی ماشین، رباتیک یا سامانه‌های تصمیم‌یار، تعمیم داده نمی‌شود.

۲.۲. اطلاعات دینی

مقصود از «اطلاعات دینی» در این پژوهش، هرگونه پاسخ، گزارش، تحلیل، تفسیر، نقل حدیث، بیان حکم یا گزاره‌ای است که سامانه هوش مصنوعی با استناد یا انتساب به آموزه‌های اسلامی در پاسخ به پرسش کاربر تولید می‌کند؛ بنابراین، موضوع پژوهش صرفاً صحت یا سقم متون دینی نیست، بلکه نحوه مواجهه اخلاقی کاربر با این دسته از اطلاعات است؛ اطلاعاتی که ممکن است برگرفته از قرآن کریم، احادیث، آرای فقیهان، مفسران یا سایر منابع اسلامی باشد یا به آن‌ها استناد داده شود (طیبی، ۱۴۰۴).

۲.۳. مرجعیت معرفتی و مرجعیت دینی

مرجعیت معرفتی، در معنای عام، به صلاحیت یک شخص، نهاد یا منبع برای آن اطلاق می‌شود که بتوان بر پایه تخصص، وثاقت و شایستگی علمی او، گزاره‌ای را پذیرفت یا درباره آن داوری کرد. از این منظر، مرجعیت معرفتی صرفاً به معنای مورد مراجعه واقع شدن نیست، بلکه



1. Generative AI.

2. Large Language Model.

مستلزم احراز صلاحیت و قابلیت اعتماد عقلانی است (حسین زاده، ۱۳۹۳: ج ۱، ص ۱۱۱؛ حسین زاده، ۱۳۸۴: ص ۴۶).

در سنت اسلامی، مرجعیت دینی مفهومی خاص تر از مرجعیت معرفتی است و به صلاحیت علمی برای تبیین، تفسیر و استنباط معارف و احکام دین اشاره دارد. این مرجعیت، علاوه بر برخورداری از دانش تخصصی، مستلزم التزام به قواعد معتبر استنباط، مسئولیت پذیری علمی و امکان پاسخ گویی در برابر نتایج و آثار دیدگاه های ارائه شده است (جمعی از محققان، ۱۳۹۷: ج ۱، ص ۲۰۴؛ حیدری، ۱۴۴۱ق: ج ۱، ص ۱۴).

بر این اساس، در این پژوهش میان «مورد رجوع واقع شدن» و «برخورداری از مرجعیت معرفتی یا دینی» تفکیک می شود. ممکن است سامانه ای به دلیل سرعت، سهولت استفاده یا دسترس پذیری، عملاً مورد مراجعه گسترده کاربران قرار گیرد، اما این امر به تنهایی برای اثبات صلاحیت معرفتی یا مرجعیت دینی آن کافی نیست؛ از این رو، مسئله اصلی مقاله آن نیست که آیا سامانه های هوش مصنوعی مورد استفاده کاربران قرار می گیرند یا نه؛ بلکه این است که آیا خروجی های این سامانه ها می توانند مبنای موجهی برای پذیرش، استناد یا عمل در حوزه دین باشند.

۳. پیشینه پژوهش

به منظور بررسی پیشینه، پژوهش های فارسی و انگلیسی مرتبط در پایگاه های Scopus، Web of Science، Google Scholar، SID، Magiran و نورمگز با کلیدواژه هایی مانند «هوش مصنوعی»، «سامانه های هوش مصنوعی مولد»، «اخلاق هوش مصنوعی»، «مرجعیت الگوریتمی»، «دین و هوش مصنوعی»، «Artificial Intelligence Ethics»، «Generative AI»، «Algorithmic Authority» و «Religion and AI» بررسی شد. از میان منابع بازیابی شده، آثاری انتخاب شدند که به طور مستقیم به ابعاد اخلاقی، معرفتی یا دینی سامانه های هوش مصنوعی مولد می پرداختند. مرور این مطالعات نشان می دهد که پیشینه موجود را می توان در سه جریان اصلی دسته بندی کرد.

نخستین جریان، اخلاق عمومی هوش مصنوعی است که عمدتاً بر اصول حاکم بر طراحی، توسعه و حکمرانی سامانه های هوشمند تمرکز دارد. جابین، اینکا و واینا (Jobin, Ienca, & Vayena, 2019) با تحلیل ۸۴ سند بین المللی نشان داده اند که اصولی مانند شفافیت، عدالت،

مسئولیت‌پذیری، زیان‌نرساندن و حفظ حریم خصوصی، هسته مشترک اغلب چارچوب‌های اخلاق هوش مصنوعی را تشکیل می‌دهد. کاظم و کوشیاما (Kazim & Koshiyama, 2021) نیز نشان می‌دهند که مسائل اخلاقی هوش مصنوعی به حوزه‌های اعتماد، خودمختاری انسان، مسئولیت و پیامدهای اجتماعی فناوری گسترش یافته است. هاگندورف (Hagendorff, 2020) نیز استدلال می‌کند که مشکل اصلی این حوزه، فقدان سازوکارهای اجرایی برای تحقق اصول اخلاقی است، نه کمبود خود این اصول. این مطالعات، هرچند مبانی ارزشمندی برای اخلاق هوش مصنوعی فراهم کرده‌اند، عمدتاً ناظر به اخلاق طراحی و حکمرانی فناوری هستند و کمتر به وظایف اخلاقی کاربران در مواجهه با اطلاعات دینی تولیدشده توسط سامانه‌های هوش مصنوعی مولد پرداخته‌اند. جریان دوم، به اعتماد معرفتی، مرجعیت الگوریتمی و نسبت دین و هوش مصنوعی اختصاص دارد. پژوهش‌های رایان (Ryan, 2020)، گلیکسون و وولی (Glikson & Woolley, 2020) نشان می‌دهد که اعتماد کاربران به سامانه‌های هوشمند، پدیده‌ای طیفی است و باید میان «اعتماد موجه» و «اتکای ناموجه» به خروجی سامانه‌ها تفکیک کرد. این مطالعات نشان می‌دهد که ویژگی‌هایی مانند انسجام زبانی، سرعت پاسخ‌گویی، ظاهر تخصصی و سهولت استفاده، می‌تواند بر ارزیابی کاربران از اعتبار پاسخ‌ها اثر بگذارد؛ هرچند این امر لزوماً به معنای اعتماد موجه یا اعتبار معرفتی پاسخ‌ها نیست. ساندار (Sundar, 2020) نیز با طرح مفهوم «عاملیت ماشینی» هشدار می‌دهد که واگذاری بخشی از فرایندهای شناختی و تصمیم‌گیری به سامانه‌های هوشمند، ممکن است استقلال شناختی کاربران را تضعیف کند. در حوزه دین، اوویدو (Oviedo, 2022) با بررسی نسبت الهیات و هوش مصنوعی استدلال می‌کند که هوش مصنوعی صرفاً یک ابزار فناورانه نیست، بلکه در حال تبدیل شدن به یکی از میانجی‌های جدید انتقال و بازنمایی معرفت دینی است. به اعتقاد وی، گسترش این سامانه‌ها پرسش‌هایی بنیادین دربارهٔ حدود اعتبار معرفتی پاسخ‌های تولیدشده توسط ماشین، جایگاه مفسران و نهادهای دینی در عصر هوش مصنوعی و نسبت میان اقتدار الگوریتمی و اقتدار سنتی دینی ایجاد کرده است؛ از این رو، مسئله اصلی صرفاً امکان استفاده از هوش مصنوعی در مطالعات دینی نیست، بلکه چگونگی ارزیابی معرفتی و اخلاقی اطلاعاتی است که این سامانه‌ها تولید یا بازنمایی می‌کنند (Oviedo, 2022).

جریان سوم، شامل پژوهش‌های اسلامی دربارهٔ نسبت هوش مصنوعی و دین است. امیرشاه کرمی

و بازویار (۱۴۰۳) با بررسی پاسخ‌های بات‌های هوش مصنوعی در حوزه دین، بر ضرورت ارزیابی انتقادی این پاسخ‌ها و توجه به پیامدهای معرفتی آن‌ها تأکید کرده‌اند. اسلامی (۱۴۰۴) نیز با تحلیل مسئله مرجعیت دینی در عصر «مفتی‌های الگوریتمی» نشان می‌دهد که سامانه‌های هوش مصنوعی، به دلیل فقدان قصد، اراده و صلاحیت اجتهادی، نمی‌توانند جایگزین مرجعیت انسانی شوند. طوسی سعیدی (۱۴۰۴) مسئله «شکاف مسئولیت» را در اخلاق هوش مصنوعی بررسی کرده و یوسفی هنومرور و همکاران (۱۴۰۴) نیز پیامدهای انسان‌شناختی، معرفت‌شناختی و ارزش‌شناختی این فناوری را در نسبت با دینداری معاصر تحلیل کرده‌اند. این پژوهش‌ها سهم مهمی در تبیین نسبت هوش مصنوعی و دین دارند، اما هر یک بر جنبه‌ای خاص، مانند مرجعیت، مسئولیت یا پیامدهای معرفتی فناوری تمرکز کرده‌اند. برخلاف پژوهش اسلامی که مسئله را در سطح مرجعیت دینی و اقتدار فقهی تحلیل می‌کند، پژوهش حاضر بر رفتار اخلاقی کاربر در مواجهه با اطلاعات دینی تولیدشده توسط سامانه‌های هوش مصنوعی و استخراج اصول راهنمای این مواجهه از قرآن کریم و احادیث اسلامی تمرکز دارد.

برآیند مطالعات پیشین نشان می‌دهد که پژوهش‌های موجود، سه حوزه اصلی را پوشش داده‌اند: اخلاق عمومی هوش مصنوعی، مرجعیت و اقتدار الگوریتمی، و نسبت دین و هوش مصنوعی؛ با این حال، در منابع بررسی شده، پژوهشی یافت نشد که به‌طور هم‌زمان: ۱. سامانه‌های هوش مصنوعی مولد و اطلاعات دینی تولیدشده توسط آن‌ها را موضوع اصلی خود قرار دهد؛ ۲. وظایف اخلاقی کاربر را در مواجهه با این اطلاعات بررسی کند؛ ۳. اصول اخلاقی این مواجهه را به‌صورت نظام‌مند از قرآن کریم و احادیث اسلامی استخراج نماید؛ ۴. بر پایه این اصول، الگویی کاربردی برای ارزیابی، پذیرش یا رد اطلاعات دینی تولیدشده توسط این سامانه‌ها ارائه کند. ازاین‌رو، نوآوری پژوهش حاضر نه در اثبات یا نفی مرجعیت هوش مصنوعی، بلکه در بازسازی یک الگوی اخلاقی کاربرمحور برای مواجهه با اطلاعات دینی تولیدشده توسط سامانه‌های هوش مصنوعی مولد بر پایه قرآن کریم و احادیث اسلامی است.

۴. چالش‌های اخلاقی مواجهه با اطلاعات دینی تولیدشده توسط سامانه‌های هوش مصنوعی

گسترش سامانه‌های هوش مصنوعی مولد، به‌ویژه مدل‌های زبانی بزرگ، شیوه دسترسی کاربران به اطلاعات دینی را دگرگون ساخته است. ویژگی‌هایی مانند تولید پاسخ‌های طبیعی، استناد ظاهری

به منابع، شخصی سازی پاسخ ها و توانایی تلفیق حجم گسترده ای از داده ها، این سامانه ها را به یکی از ابزارهای رایج دریافت اطلاعات دینی تبدیل کرده است؛ با این حال، مسئله اصلی در این حوزه صرف استفاده از یک فناوری جدید نیست، بلکه چگونگی ارزیابی، پذیرش و به کارگیری پاسخ های دینی تولید شده توسط این سامانه هاست. بررسی ادبیات پژوهش نشان می دهد که مهم ترین چالش های این حوزه را می توان در چهار سطح به هم پیوسته تحلیل کرد.

۱. ۴. چالش اعتبار اطلاعات دینی

نخستین چالش، اعتبار اطلاعات تولید شده توسط سامانه های هوش مصنوعی است. در این زمینه باید میان چند مفهوم تمایز گذاشت: درست بودن یک گزاره، اعتبار منبع تولیدکننده آن، میزان اعتماد به سامانه و جواز عمل بر اساس آن لزوماً یکسان نیستند. ممکن است پاسخ یک سامانه درباره مسئله ای دینی صحیح باشد، اما بدون استناد معتبر ارائه شود؛ یا برعکس، پاسخی مستند ارائه گردد، اما در نقل منابع، انتساب حدیث، بیان فتوا یا گزارش دیدگاه مذاهب مختلف دچار خطا شود؛ برای مثال، انتساب حدیثی فاقد منشأ معتبر از پیامبر ﷺ، نسبت دادن فتوایی به فقهی که هرگز آن را صادر نکرده، یا خلط دیدگاه های فقهی مذاهب اسلامی، از خطاهایی است که در گزارش های مربوط به عملکرد سامانه های هوش مصنوعی مولد به آن ها توجه شده است. از این رو، مسئله اصلی صرفاً «صحت ظاهری پاسخ» نیست، بلکه اعتبار مستندات و امکان راستی آزمایی آن نیز اهمیت اساسی دارد (Ryan, 2020; Glikson & Woolley, 2020).

۲. ۴. چالش مرجعیت معرفتی

چالش دوم، نسبت این سامانه ها با مرجعیت معرفتی است. گسترش استفاده از سامانه های هوش مصنوعی موجب شده است که بسیاری از کاربران، پیش از مراجعه به منابع یا متخصصان، پاسخ اولیه خود را از این ابزارها دریافت کنند. با این حال، مورد مراجعه واقع شدن با برخورداری از مرجعیت معرفتی یا مرجعیت دینی یکسان نیست. مرجعیت معرفتی مستلزم صلاحیت علمی، امکان پاسخ گویی، قابلیت ارزیابی و مسئولیت پذیری در قبال محتوای ارائه شده است؛ در حالی که سامانه های هوش مصنوعی، هرچند می توانند اطلاعات را بازایی یا تولید کنند، فاقد این ویژگی ها هستند. از این رو، یکی از مهم ترین پرسش های اخلاقی آن است که مرز میان «ابزار دسترسی به

اطلاعات» و «مرجع معتبر برای پذیرش و عمل» چگونه تعیین می شود (Geraci, 2008; Sundar, 2020; اسلامی، ۱۴۰۴).

۳.۴. چالش مسئولیت اخلاقی

چالش سوم به مسئله مسئولیت اخلاقی مربوط است. در اخلاق هوش مصنوعی، از دشواری انتساب مسئولیت میان بازیگران مختلف زنجیره طراحی، توسعه، آموزش، استقرار و استفاده از سامانه های هوشمند، با عنوان «شکاف مسئولیت»^۱ یاد می شود. بر این اساس، در صورت بروز خطا، مسئولیت می تواند میان توسعه دهندگان، شرکت های ارائه دهنده، تولیدکنندگان داده، طراحان رابط کاربری و کاربران توزیع شود. باین حال، موضوع این پژوهش بررسی همه ابعاد این مسئولیت توزیع شده نیست، بلکه تمرکز آن بر مسئولیت اخلاقی کاربر در مواجهه با اطلاعات دینی است. حتی اگر خطا از سامانه یا داده های آموزشی ناشی شده باشد، کاربر در پذیرش، استاندارد، بازنشر و عمل براساس اطلاعات دینی، همچنان دارای مسئولیت اخلاقی است و نمی تواند صرفاً به تولید ماشینی پاسخ استناد کند (Matthias, 2004; Floridi & Sanders, 2004; طوسی سعیدی، ۱۴۰۴).

۴. چالش استقلال شناختی

چهارمین چالش، حفظ استقلال شناختی کاربر است. مقصود از استقلال شناختی در این پژوهش، توانایی ارزیابی انتقادی اطلاعات و اتخاذ تصمیم مستقل در برابر خروجی سامانه های هوشمند است. در مقابل، وابستگی شناختی به وضعیتی اشاره می کند که کاربر، بدون ارزیابی مستقل و بدون امکان راستی آزمایی، بخشی از فرایند تشخیص و داوری خود را به سامانه واگذار کند. این مفهوم با مباحثی مانند «برون سپاری شناختی»^۲ و «سوگیری اتوماسیون»^۳ ارتباط دارد، اما به آن ها فروکاسته نمی شود؛ زیرا استفاده از ابزارهای هوشمند، تا زمانی که با ارزیابی نقادانه و متناسب با سطح ریسک همراه باشد، لزوماً غیر اخلاقی نیست. مسئله زمانی پدید می آید که اتکای کاربر به سامانه، جایگزین فرایند سنجش و داوری مستقل او شود (Sundar, 2020).



فصلنامه علمی

۹۴

دوره ۱
شماره ۲
تابستان ۱۴۰۵

1. Responsibility Gap.
2. Cognitive Offloading.
3. Automation Bias.

بررسی این چهار چالش نشان می‌دهد که مسئله اصلی در مواجهه با سامانه‌های هوش مصنوعی مولد، صرف بهره‌گیری از فناوری نیست، بلکه تعیین معیارهای اخلاقی برای ارزیابی، پذیرش و به‌کارگیری اطلاعات دینی تولیدشده توسط این سامانه‌هاست. از این رو، در ادامه، با رجوع به قرآن کریم و احادیث اسلامی، چهار اصل اخلاقی متناظر با این چالش‌ها، یعنی اعتبارسنجی و راستی‌آزمایی اطلاعات، مسئولیت معرفتی، استقلال عقلانی و رجوع به مرجع معتبر تبیین و تحلیل می‌شود.

۵. اصول اخلاقی مواجهه با اطلاعات دینی تولیدشده توسط سامانه‌های هوش مصنوعی

از منظر قرآن و حدیث

مروار مطالعات پیشین نشان می‌دهد که در پژوهش‌های مربوط به هوش مصنوعی مولد در حوزه دین، بیشترین توجه به چهار دسته مسئله معطوف بوده است: اعتبار و اعتمادپذیری اطلاعات تولیدشده، مرجعیت معرفتی سامانه‌های هوشمند، مسئولیت اخلاقی کاربران و حفظ عاملیت یا استقلال معرفتی در مواجهه با این سامانه‌ها (Ryan, 2020; Glikson & Woolley, 2020; Sundar, 2020; Oviedo, 2022; اسلامی، ۱۴۰۴؛ یوسفی هنومرور و همکاران، ۱۴۰۴). این چهار محور، نقطه آغاز پژوهش حاضر را تشکیل می‌دهد، اما به‌خودی‌خود اصول اخلاقی مقاله محسوب نمی‌شود؛ بلکه مهم‌ترین مسائل مطرح‌شده در ادبیات معاصر را بازنمایی می‌کند.

در ادامه، این چالش‌ها با مراجعه به قرآن کریم و احادیث اسلامی از منظر اخلاق اسلامی بررسی می‌شود. جدول شماره ۱ نیز نسبت میان مهم‌ترین چالش‌های مطرح در ادبیات پژوهش و اصول اخلاقی بررسی‌شده در این مقاله را به‌صورت اجمالی نشان می‌دهد.

چالش اخلاقی	مسئله اخلاقی	اصل اخلاقی متناظر
اعتبار اطلاعات	امکان خطا، جعل یا استناد نامعتبر	اعتبارسنجی و راستی‌آزمایی اطلاعات
مرجعیت معرفتی	تمایز ابزار از مرجع معتبر	رجوع به مرجع معتبر
مسئولیت اخلاقی	مسئولیت کاربر در پذیرش و عمل	مسئولیت معرفتی و پاسخگویی
عاملیت معرفتی	انکای ناموجه و کاهش ارزیابی انتقادی	حفظ عاملیت معرفتی همراه با اتکای سنجیده

جدول شماره ۱: نسبت میان چالش‌های اخلاقی مطرح در ادبیات پژوهش و اصول اخلاقی بررسی‌شده در این مقاله

بدیهی است این چهار اصل، مدعی احصای همه الزامات اخلاق اسلامی در حوزه هوش مصنوعی نیست. اصولی مانند عدالت، عدم اضرار، حفظ حریم خصوصی، امانت‌داری، شفافیت و پرهیز از تحریف دین نیز در اخلاق اسلامی جایگاه مهمی دارد. با این حال، از آنجا که موضوع

این پژوهش مواجهه کاربر با اطلاعات دینی تولیدشده توسط سامانه‌های هوش مصنوعی مولد است، فقط اصولی بررسی شده‌اند که مستقیماً ناظر به فرایند دریافت، ارزیابی و به‌کارگیری این اطلاعات هستند. براین اساس، قلمرو مقاله نه اخلاق طراحی و توسعه سامانه‌های هوش مصنوعی، بلکه اخلاق استفاده از خروجی‌های دینی این سامانه‌هاست.

۱.۵. اعتبارسنجی و راستی‌آزمایی اطلاعات دینی

نخستین و بنیادی‌ترین اصل اخلاقی در مواجهه با اطلاعات دینی تولیدشده توسط سامانه‌های هوش مصنوعی، اعتبارسنجی و راستی‌آزمایی اطلاعات پیش از پذیرش و عمل است. ضرورت این اصل از ویژگی خاص سامانه‌های هوش مصنوعی مولد ناشی می‌شود. این سامانه‌ها برخلاف موتورهای جست‌وجوی متعارف، صرفاً اطلاعات موجود را بازایی نمی‌کنند، بلکه با تکیه بر مدل‌های زبانی بزرگ، پاسخ‌هایی جدید و متناسب با پرسش کاربر تولید می‌کنند. ازاین‌رو، خروجی آن‌ها را نمی‌توان صرفاً نقل یک منبع یا گزارش یک واقعیت تلقی کرد، بلکه باید آن را نوعی ادعای معرفتی دانست که در صورت قرارگرفتن در مبنای باور، استناد یا عمل، نیازمند ارزیابی مستقل است. یکی از مهم‌ترین مخاطرات این سامانه‌ها، پدیده‌ای است که در ادبیات مدل‌های زبانی با عنوان هذیان‌گویی^۱ شناخته می‌شود. مقصود از این اصطلاح، تولید متنی است که از نظر زبانی روان، منسجم و متقاعدکننده به نظر می‌رسد، اما نسبت به داده‌های ورودی یا واقعیت خارجی وفادار نیست یا امکان راستی‌آزمایی آن وجود ندارد. پژوهش‌های اخیر میان «توهم درونی» (تعارض با منبع) و «توهم بیرونی» (افزودن مطالبی که در منبع قابل تأیید نیست) تفکیک کرده‌اند و نشان داده‌اند که این پدیده یکی از چالش‌های ذاتی مدل‌های زبانی بزرگ است، نه صرفاً خطایی اتفاقی در برخی سامانه‌ها (Ji et al., 2023).

افزون بر این، مرور نظام‌مند پژوهش‌های مربوط به اعتماد به هوش مصنوعی نشان می‌دهد که اعتماد کاربران همواره با میزان اعتمادپذیری واقعی سامانه‌ها متناسب نیست. در بسیاری از موارد، انسجام زبانی، سرعت پاسخ‌گویی و ظاهر تخصصی پاسخ‌ها سبب شکل‌گیری اعتماد بیش از اندازه^۲ می‌شود؛ درحالی‌که این ویژگی‌ها به‌خودی‌خود تضمینی برای صحت یا اعتبار اطلاعات

1. Hallucination.

2. Over-trust.

نیستند. از این رو، تمایز میان «اعتماد به سامانه» و «اعتمادپذیری خروجی» یکی از مبانی مهم ارزیابی اخلاقی پاسخ‌های تولیدشده توسط هوش مصنوعی است (Afroogh et al., 2024).

در اینجا باید میان چند مفهوم نیز تفکیک شود. درستی یک گزاره با اعتبار منبع، اعتماد به سامانه و جواز عمل بر اساس آن یکسان نیست. ممکن است سامانه به پاسخ صحیحی دست یافته باشد، اما منبع آن را به درستی ذکر نکرده یا اساساً امکان ارزیابی مستندات آن وجود نداشته باشد. همچنین ممکن است پاسخ از نظر علمی معتبر باشد، اما در مسئله‌ای اختلافی، دیدگاه یک مذهب یا یک فقیه را بدون اشاره به اختلاف آرا به عنوان نظر قطعی اسلام عرضه کند. از این رو، موضوع این اصل صرفاً کشف خطا نیست، بلکه ارزیابی درجه و ثوق اطلاعات پیش از پذیرش یا استناد به آن‌هاست.

قرآن کریم در مواجهه با ادعاهای معرفتی، اصل عام دلیل‌خواهی را مطرح می‌کند. در پاسخ به ادعای انحصارگرایی اهل کتاب می‌فرماید: «قُلْ هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ» (بقره: ۱۱۱). هرچند آیه در سیاق مناقشه‌ای خاص نازل شده است، بیشتر مفسران آن را بیانگر قاعده‌ای عقلایی دانسته‌اند که بر اساس آن، پذیرش هر ادعای معرفتی نیازمند ارائه دلیل و برهان است (طباطبایی، ۱۴۱۷ق: ج ۱، ص ۲۵۸؛ ابن عاشور، ۱۴۲۰ق: ج ۱، ص ۶۵۶؛ مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۴ش: ج ۱، ص ۴۰۴ و ۴۰۵).

تطبیق این اصل بر خروجی سامانه‌های هوش مصنوعی از آن رو موجه است که پاسخ تولیدشده، هرچند سخن یک فاعل انسانی یا صاحب‌نظر دینی نیست، هنگامی که مبنای باور یا عمل قرار می‌گیرد، کارکرد یک ادعای معرفتی را پیدا می‌کند. بنابراین، ملاک قرآنی در اینجا نه شخصیت گوینده، بلکه لزوم برخورداری ادعا از مستند قابل ارزیابی است. در نتیجه، هیچ پاسخ دینی صرفاً به دلیل انتساب به یک سامانه هوشمند یا ارائه‌شدن با لحنی قاطع، شایسته پذیرش نخواهد بود.

اصل دوم قرآنی، راستی‌آزمایی اطلاعات است. خداوند می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنْ جَاءَكُمْ فَاسِقٌ بِنَبَأٍ فَتَبَيَّنُوا...» (حجرات: ۶).

ملاک استدلال در این آیه، وصف اخلاقی «فاسق» نیست؛ زیرا سامانه هوش مصنوعی نه فاعل اخلاقی است و نه دارای قصد و اراده. آنچه از آیه قابل استخراج است، قاعده‌ای عام درباره ضرورت بررسی اخبار فاقد وثوق کافی است. هرگاه منشأ یک خبر یا فرایند تولید آن به گونه‌ای باشد که وثوق



لازم را ایجاد نکند، پیش از پذیرش یا ترتیب اثر دادن، باید آن را بررسی و ارزیابی کرد. از آنجا که مدل‌های زبانی ممکن است اطلاعات فاقد پشتوانه، نقل قول‌های ساختگی، ارجاعات نادرست یا تلفیقی از دیدگاه‌های متفاوت تولید کنند، خروجی آن‌ها تا پیش از احراز اعتبار، در قلمرو اطلاعات نیازمند تبیین قرار می‌گیرد، نه آنکه خود سامانه به منزله «فاسق» تلقی شود (قطب، ۱۴۰۸ق: ج ۶، ص ۳۳۴۲؛ مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۴: ج ۲۲، ص ۱۵۸).

همین رویکرد در روایات نیز تأکید شده است. در روایتی از امیرالمؤمنین (علیه السلام) بیان شده است: «اغفلوا الخبر إذا سمعتموه عقل رعاية لا عقل رواية، فإن زواة العلم كثير ورعاته قليل»؛ «خبر را هنگامی که می‌شنوید، با عقل مراقبت و فهم دریافت کنید، نه صرفاً با عقل نقل و روایت؛ زیرا راویان دانش بسیارند، اما پاسداران و فهم‌کنندگان آن اندک‌اند» (نهج البلاغه، حکمت ۹۸، ص ۴۸۵). این روایت نشان می‌دهد که وظیفه مخاطب در برابر اطلاعات، صرف دریافت و انتقال آن‌ها نیست، بلکه فهم نقادانه، ارزیابی و مراقبت از اعتبار آن‌ها نیز بخشی از مسئولیت اخلاقی اوست. همچنین در روایتی از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) در کتاب معانی الأخبار نقل شده است: «كفى بالمرء كذباً أن يحدث بكل ما سمع»؛ «برای دروغ‌گویی انسان همین بس که هر آنچه می‌شنود نقل کند» (ابن بابویه، ۱۴۰۳ق: ص ۱۵۸). این روایت نیز بیانگر آن است که صرف دریافت یک خبر، مجوز پذیرش یا بازنشر آن نیست؛ بلکه انسان موظف است پیش از استناد، نقل یا انتشار، از اعتبار و صحت آن اطمینان حاصل کند.

بر پایه این مبانی، اصل اعتبارسنجی در مواجهه با اطلاعات دینی تولیدشده توسط هوش مصنوعی را می‌توان در قالب یک پروتکل عملی صورت‌بندی کرد:

۱. مطالبه منبع اولیه (آیه، حدیث، فتوا یا منبع علمی)؛
 ۲. بررسی وجود واقعی منبع خارج از سامانه هوش مصنوعی؛
 ۳. تطبیق نقل با متن اصلی و کنترل صحت ارجاع؛
 ۴. توجه به مذهب، دیدگاه فقهی و اختلاف احتمالی آرا؛
 ۵. مراجعه به متخصص در مسائل اختلافی، نوپدید یا دارای آثار عملی.
- بر این اساس، ارجاع یا منبعی که خود سامانه هوش مصنوعی تولید می‌کند، تا زمانی که مستقل از سامانه بررسی نشده باشد، دلیل اعتبار محسوب نمی‌شود.

از مجموع آیات، روایات و یافته‌های پژوهش‌های معاصر می‌توان نتیجه گرفت که نخستین اصل اخلاقی در مواجهه با اطلاعات دینی تولیدشده توسط سامانه‌های هوش مصنوعی، اعتبارسنجی و راستی‌آزمایی پیش از پذیرش، استناد یا عمل است. این اصل نه استفاده از هوش مصنوعی را نفی می‌کند و نه اعتماد مطلق به آن را می‌پذیرد، بلکه بهره‌گیری از این فناوری را به احراز دلیل، وثوق و امکان ارزیابی مستقل اطلاعات مقید می‌کند.

۲.۵. مسئولیت معرفتی و پاسخگویی اخلاقی در مواجهه با اطلاعات دینی

دومین اصل اخلاقی در مواجهه با اطلاعات دینی تولیدشده توسط سامانه‌های هوش مصنوعی، مسئولیت معرفتی و پاسخگویی اخلاقی کاربر است. پیشرفت سامانه‌های هوش مصنوعی مولد، هرچند فرایند دسترسی به اطلاعات دینی را تسهیل کرده است، اما مسئولیت ارزیابی، پذیرش و به‌کارگیری این اطلاعات را از انسان سلب نمی‌کند. در حوزه اخلاق هوش مصنوعی نیز این مسئله ذیل مفهوم «شکاف مسئولیت» بررسی شده است. مقصود از این اصطلاح، دشواری انتساب مسئولیت در زنجیره طراحی، توسعه، استقرار و استفاده از سامانه‌های هوشمند است؛ به گونه‌ای که مسئولیت میان توسعه‌دهندگان، شرکت‌های ارائه‌دهنده، تولیدکنندگان داده، نهادهای ناظر و کاربران توزیع می‌شود (Floridi et al., 2018؛ Jobin et al., 2019). باین حال، موضوع این پژوهش بررسی همه ابعاد این مسئولیت توزیع شده نیست، بلکه تمرکز آن بر مسئولیت اخلاقی کاربر در مقام دریافت، ارزیابی و استفاده از اطلاعات دینی است. بنابراین، تأکید بر مسئولیت کاربر، به معنای نفی مسئولیت سایر کنشگران نیست.

قرآن کریم مسئولیت معرفتی انسان را با اصلی عام بیان می‌کند: «وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ» (اسراء: ۳۶). مفسران این آیه را ناظر به ممنوعیت پیروی از امور فاقد پشتوانه معرفتی دانسته‌اند؛ اصلی که هرگونه داور، نقل، اظهارنظر یا عمل را در صورتی مجاز می‌شمارد که بر علم و دلیل استوار باشد (طباطبایی، ۱۴۱۷ق: ج ۱۳، ص ۹۳-۹۶؛ مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۴: ج ۱۲، ص ۱۱۷-۱۱۹؛ فضل‌الله، ۱۴۱۹ق: ج ۱۴، ص ۱۱۶ و ۱۱۷). بر این اساس، مسئولیت معرفتی صرفاً به نتیجه تصمیم محدود نمی‌شود، بلکه فرایند دستیابی به معرفت را نیز دربرمی‌گیرد.

همین معنا در ادامه آیه با تعبیر «إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا» (اسراء: ۳۶)

تکمیل می‌شود. گوش، چشم و فؤاد، ابزارهای شناخت انسان‌اند و قرآن او را درباره نحوه استفاده از این ابزارها پاسخگو می‌داند. ازاین‌رو، مسئولیت اخلاقی تنها ناظر به پذیرش یا رد یک گزاره نیست، بلکه شیوه شکل‌گیری باور و تصمیم نیز موضوع مسئولیت قرار می‌گیرد. در فضای هوش مصنوعی نیز این اصل اقتضا می‌کند که کاربر، فرایند ارزیابی اطلاعات را به سامانه واگذار نکند، بلکه با بهره‌گیری از توانایی‌های عقلانی خود درباره اعتبار پاسخ‌ها داوری کند.

اصل شخصی‌بودن مسئولیت نیز در آیات دیگر قرآن تأکید شده است: «وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَى» (انعام: ۱۶۴). هرچند آیه در مقام بیان مسئولیت اخروی انسان است، دلالت آن بر شخصی‌بودن مسئولیت، با این اصل سازگار است که هیچ‌کس نمی‌تواند مسئولیت اخلاقی تصمیم‌های خویش را به دیگری منتقل کند. البته این اصل به معنای انحصار مسئولیت در کاربر نیست؛ زیرا در استفاده از سامانه‌های هوش مصنوعی، توسعه‌دهندگان، شرکت‌های ارائه‌دهنده، تولیدکنندگان داده و نهادهای ناظر نیز به تناسب میزان کنترل، تخصص و نقش خود، مسئولیت‌های مستقلی بر عهده دارند. باین‌حال، مسئولیت این کنشگران، مسئولیت کاربر را در پذیرش یا استناد به اطلاعات دینی ساقط نمی‌کند.

همین مبنا در روایات اسلامی نیز دیده می‌شود. امام کاظم علیه السلام می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ خَصَّ عِبَادَهُ بِأَيِّتِينَ مِنْ كِتَابِهِ: أَلَّا يَقُولُوا حَتَّى يَعْلَمُوا، وَلَا يَزِدُّوا مَا لَمْ يَعْلَمُوا» (العیاشی، ۱۳۸۰: ج ۲، ص ۳۵).

این روایت، مسئولیت معرفتی انسان را به دو ساحت گسترش می‌دهد: نخست، خودداری از اظهارنظر بدون علم، و دوم، پرهیز از رد یا پذیرش شتاب‌زده امور ناشناخته. بنابراین، هرگونه موضع‌گیری معرفتی باید بر پایه آگاهی و ارزیابی استوار باشد، نه بر حدس یا اعتماد صرف به یک ابزار.

در روایتی دیگر، امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرماید: «أَوْجِبُ الْعِلْمَ عَلَيْكَ مَا أَنْتَ مَسْئُولٌ عَنِ الْعَمَلِ بِهِ» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق: ص ۱۱۴).

این روایت نشان می‌دهد که ارزش معرفت در منطق اسلامی با مسئولیت‌پذیری در قبال آثار و پیامدهای آن پیوند خورده است. ازاین‌رو، کاربر نمی‌تواند با این استدلال که اطلاعات را از یک سامانه هوشمند دریافت کرده است، خود را از مسئولیت اخلاقی پذیرش، بازنشر یا عمل بر اساس آن معاف بداند؛ زیرا تصمیم نهایی همچنان کنشی انسانی است.

این تحلیل با یافته‌های پژوهش‌های معاصر در اخلاق هوش مصنوعی نیز هم‌سو است. هرچند سامانه‌های هوشمند در تولید و سازمان‌دهی اطلاعات نقش فزاینده‌ای یافته‌اند، اما مسئولیت نهایی استفاده از اطلاعات، متناسب با میزان اختیار و کنترل، همچنان بر عهده کنشگران انسانی باقی می‌ماند. دربارهٔ کاربران نیز، استفاده از هوش مصنوعی زمانی اخلاقاً موجه است که تصمیم نهایی پس از ارزیابی مستقل، سنجش انتقادی و پذیرش مسئولیت پیامدهای آن اتخاذ شود (Floridi et al., 2018؛ Jobin et al., 2019).

بر این اساس، اصل مسئولیت معرفتی را می‌توان در قالب سه الزام عملی خلاصه کرد: نخست، کاربر مسئول ارزیابی مستقل پاسخ‌های دینی است؛ دوم، مسئولیت تصمیم نهایی را نمی‌تواند به سامانه هوش مصنوعی واگذار کند؛ و سوم، در مسائل تخصصی یا دارای آثار مهم دینی و اجتماعی، موظف است پیش از استناد یا عمل، نظر متخصصان و منابع معتبر را نیز بررسی کند. بدین ترتیب، هوش مصنوعی می‌تواند ابزار مؤثری برای دسترسی به اطلاعات باشد، اما هیچ‌گاه جایگزین مسئولیت اخلاقی انسان در داوری و انتخاب نخواهد شد.

۳.۵. حفظ عاملیت معرفتی و گزینش نقادانهٔ اطلاعات دینی

سومین اصل اخلاقی در مواجهه با اطلاعات دینی تولیدشده توسط سامانه‌های هوش مصنوعی، حفظ عاملیت معرفتی و گزینش نقادانهٔ اطلاعات است. یکی از مخاطرات شناخته‌شدهٔ سامانه‌های هوش مصنوعی مولد، آن است که کاربران به تدریج بخشی از فرایند تحلیل، ارزیابی و تصمیم‌گیری خود را به این سامانه‌ها واگذار کنند. در نظریه‌های جدید، این وضعیت با مفاهیمی مانند برون‌سپاری شناختی و سوگیری اتوماسیون توصیف شده است. مقصود از این مفاهیم آن نیست که استفاده از ابزارهای هوشمند ذاتاً نادرست است، بلکه هشدار می‌دهد اتکای نامتناسب به خروجی سامانه‌ها می‌تواند توان ارزیابی مستقل و تشخیص انتقادی کاربران را تضعیف کند (Risko & Gilbert, 2016). از این رو، مسئلهٔ اخلاقی اصلی، استفاده از هوش مصنوعی نیست، بلکه حفظ نقش فعال انسان در فرایند داوری و انتخاب است.

قرآن کریم در آیهٔ ۱۸ سورهٔ زمر، الگویی از مواجهه با دیدگاه‌ها و اطلاعات ارائه می‌کند که بر شنیدن، اندیشیدن و گزینش استوار است: «الَّذِينَ يَسْمَعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ» (زمر: ۱۸). بیشتر مفسران، مقصود از «احسن» را صرفاً زیباترین سخن ندانسته‌اند، بلکه آن را سخنی



دانسته‌اند که با حق، دلیل و هدایت الهی سازگارتر باشد (طباطبایی، ۱۴۱۷ق: ج ۱۷، ص ۲۵۱؛ مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۴: ج ۱۹، ص ۴۱۳-۴۱۷؛ قرائتی، ۱۳۸۸: ج ۸، ص ۱۵۵). بنابراین، آیه فرایندی را ترسیم می‌کند که در آن، انسان پس از شنیدن دیدگاه‌های مختلف، با بهره‌گیری از عقل، شواهد و معیارهای معتبر، آنچه به حقیقت نزدیک‌تر است برمی‌گزیند. ازاین‌رو، «احسن» یک معیار ازپیش‌آماده یا الگوریتمی ساده برای انتخاب اطلاعات نیست، بلکه نتیجه فرایند سنجش عقلانی است که متناسب با موضوع و سطح تخصص فرد تحقق می‌یابد.

در پایان آیه، صاحبان این ویژگی «أُولُوا الْأَلْبَاب» معرفی شده‌اند. این تعبیر نشان می‌دهد عقلانیت در منطق قرآن، فقط به معنای برخورداری از قدرت استدلال نیست، بلکه به شیوه به‌کارگیری آن در ارزیابی و انتخاب آگاهانه مربوط می‌شود. در همین چارچوب، عقلانیت اقتضا می‌کند که انسان حدود دانش خود را نیز بشناسد؛ ازاین‌رو، حفظ عاملیت معرفتی به معنای خودبسندگی در همه حوزه‌ها نیست، بلکه شامل تشخیص مواردی نیز می‌شود که ارزیابی یک مسئله بدون مراجعه به منابع معتبر یا متخصصان امکان‌پذیر نیست.

همین معنا در روایات اسلامی نیز تأکید شده است. امام کاظم علیه السلام می‌فرماید: «إِنَّ لِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حُجَّتَيْنِ؛ حُجَّةً ظَاهِرَةً وَحُجَّةً بَاطِنَةً؛ فَأَمَّا الظَّاهِرَةُ فَالرُّسُلُ وَالْأَنْبِيَاءُ وَالْأَيُّمَةُ عليهم السلام، وَأَمَّا الْبَاطِنَةُ فَالْعُقُولُ» (کلینی، ۱۳۶۳: ج ۱، ص ۱۶).

این روایت، عقل را در کنار وحی، حجت الهی معرفی می‌کند؛ بدین معنا که انسان موظف است در فهم و ارزیابی اطلاعات از ظرفیت عقل بهره‌گیرد، نه اینکه تشخیص خود را به‌طور کامل به دیگران یا ابزارهای فناورانه واگذار کند.

در روایت دیگری از امام صادق علیه السلام بیان شده است: «دِعَامَةُ الْإِنْسَانِ الْعُقْلُ» (کلینی، ۱۳۶۳: ج ۱، ص ۲۵).

همچنین امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرماید: «لَا غِنَى كَالْعُقْلِ» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق: ص ۴۶۹). این روایات بر جایگاه بنیادین عقل در هدایت رفتار انسان دلالت دارند، اما به‌تنهایی روش ارزیابی اطلاعات تخصصی را تعیین نمی‌کنند. ازاین‌رو، در مواجهه با خروجی سامانه‌های هوش مصنوعی، به‌کارگیری عقل مستلزم بهره‌گیری از ابزارهای مناسب ارزیابی نیز است؛ ازجمله بررسی منابع، سنجش اعتبار ارجاعات، شناخت محدودیت‌های مدل‌های زبانی، توجه به اختلاف دیدگاه‌های

دینی و مراجعه به متخصص در موضوعات تخصصی یا اختلافی. بدین ترتیب، عقل در اینجا نه جایگزین تخصص، بلکه راهنمای استفادهٔ سنجیده از آن است.

بر این اساس، اصل حفظ عاملیت معرفتی اقتضا می‌کند کاربر، هوش مصنوعی را ابزار یاری‌رسان در فرایند شناخت بداند، نه جانشین عقل و داوری خویش. وظیفهٔ کاربر عادی نیز با وظیفهٔ پژوهشگر یا فقیه یکسان نیست؛ آنچه از همهٔ کاربران انتظار می‌رود، ارزیابی متناسب با سطح دانش خود و پرهیز از پذیرش منفعلانهٔ پاسخ‌های سامانه است، و هر جا موضوع از سطح تخصص آنان فراتر رود، عقلانیت خود اقتضا می‌کند که به مرجع معتبر مراجعه کنند. از این رو، حفظ عاملیت معرفتی با اصل «رجوع به مرجع معتبر» نه تنها تعارضی ندارد، بلکه مقدمه و شرط تحقق آن است.

۴. ۵. رجوع به مرجع معتبر در مسائل تخصصی دینی

چهارمین اصل اخلاقی در مواجهه با اطلاعات دینی تولیدشده توسط سامانه‌های هوش مصنوعی، رجوع به مرجع معتبر در مسائل تخصصی است. اصول پیشین نشان داد که کاربر موظف است اطلاعات را راستی‌آزمایی کند، مسئولیت معرفتی تصمیم خود را بپذیرد و عاملیت عقلانی خویش را حفظ نماید. با این حال، عقلانیت اقتضا می‌کند که انسان حدود دانش خود را نیز بشناسد. از این رو، هرگاه ارزیابی یک مسئله از توان علمی او فراتر باشد، وظیفهٔ اخلاقی او مراجعه به صاحبان صلاحیت علمی است، نه اتکای مستقل به برداشت شخصی یا پاسخ‌های تولیدشده توسط سامانه‌های هوشمند.

قرآن کریم این اصل را در آیه «فَاسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ» (نحل: ۴۳؛ انبیاء: ۷) بیان می‌کند. هرچند آیه در سیاق احتجاج با منکران نبوت نازل شده است، بیشتر مفسران آن را بیانگر یک قاعدهٔ عقلایی دانسته‌اند که بر اساس آن، نا آگاه در هر حوزه باید برای رفع جهل خود به اهل دانش مراجعه کند (طباطبایی، ۱۴۱۷ق: ج ۱۲، ص ۲۵۸ و ۲۵۹؛ مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۴: ج ۱۱، ص ۲۴۲-۲۴۶). بنابراین، رجوع به متخصص نه نشانهٔ ضعف عقل، بلکه یکی از لوازم عقلانیت است.

البته مقصود از این اصل، صرف مراجعه به هر منبع اطلاعاتی نیست. در این پژوهش میان منبع اطلاعات، مرجع علمی و مرجعیت دینی تفکیک می‌شود. منبع اطلاعات ممکن است فقط داده یا گزارشی را در اختیار کاربر قرار دهد؛ مرجع علمی افزون بر دسترسی به اطلاعات، از صلاحیت



تحلیل و داوری تخصصی برخوردار است؛ و مرجعیت دینی، علاوه بر تخصص علمی، مستلزم مسئولیت‌پذیری، التزام به قواعد استنباط و پاسخ‌گویی در قبال نتایج داوری دینی است. ازاین‌رو، صرف تولید یا بازیابی اطلاعات، برای تحقق مرجعیت دینی کافی نیست.

همین معنا در روایات اسلامی نیز تأکید شده است. از امام باقر علیه السلام نقل شده است: «نَحْنُ أَهْلُ الذِّكْرِ وَنَحْنُ الْمَسْئُولُونَ» (کلینی، ۱۳۶۳: ج ۱، ص ۲۱۰؛ العیاشی، ۱۳۸۰: ج ۲، ص ۲۵۸).

همچنین امام رضا علیه السلام در تفسیر همین آیه فرمود: «نَحْنُ أَهْلُ الذِّكْرِ إِذَا سُئِلْنَا أَخْبَرْنَا» (ابن بابویه، ۱۴۱۶ق: ص ۲۱۶).

این روایات، مصداق کامل «اهل ذکر» را بیان می‌کنند و در عین حال بر این اصل دلالت دارند که فهم معتبر دین نیازمند مراجعه به صاحبان صلاحیت علمی است.

در عصر غیبت نیز این قاعده در توقیع مشهور امام مهدی (عج) استمرار یافته است: «وَأَمَّا الْحَوَادِثُ الْوَاقِعَةُ فَارْجِعُوا فِيهَا إِلَى رِوَاةِ حَدِيثِنَا، فَإِنَّهُمْ حُجَّتِي عَلَيْكُمْ وَأَنَا حُجَّةُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ» (طبرسی، ۱۴۰۳ق: ج ۲، ص ۴۷۰).

بر اساس این روایت، در مسائل تخصصی، مراجعه به صاحبان صلاحیت علمی بخشی از فرایند صحیح دستیابی به معرفت دینی است.

کاربست این اصل در مواجهه با سامانه‌های هوش مصنوعی روشن است. سامانه‌های هوش مصنوعی، حتی هنگامی که بر بانک‌های اطلاعاتی معتبر یا سامانه‌های بازیابی محور^۱ متکی باشند، در بهترین حالت ابزارهایی برای دسترسی، سازمان‌دهی یا عرضه اطلاعات هستند و این ویژگی به‌خودی‌خود برای احراز مرجعیت علمی یا دینی کافی نیست. مرجعیت دینی افزون بر دسترسی به منابع، مستلزم قدرت تحلیل، تشخیص تعارض ادله، توجه به شرایط و مسئولیت‌پذیری در برابر نتایج داوری است؛ اموری که همچنان به کشگران انسانی واجد صلاحیت وابسته‌اند.

ازاین‌رو، هرگاه پاسخ هوش مصنوعی درباره مسائل اختلافی، استنباط احکام، اعتبار احادیث، تفسیر آیات یا سایر موضوعات تخصصی دینی باشد، وظیفه اخلاقی کاربر آن است که دست‌کم چهار مرحله را طی کند: بررسی منبع اصلی، ارزیابی صحت ارجاعات، توجه به اختلاف دیدگاه‌های معتبر و در صورت باقی ماندن ابهام، مراجعه به متخصص واجد صلاحیت؛ بنابراین، هوش مصنوعی

می‌تواند نقش ابزار پژوهشی و آموزشی را ایفا کند، اما جایگزین مرجعیت علمی و دینی نخواهد شد. بر این اساس، اصل رجوع به مرجع معتبر به معنای کنار گذاشتن فناوری نیست، بلکه ناظر به استفاده هدایت‌شده از فناوری در چارچوب مرجعیت علمی معتبر است. در این الگو، هوش مصنوعی فرایند دسترسی به اطلاعات را تسهیل می‌کند، اما اعتبار نهایی پاسخ‌های دینی همچنان با ارزیابی عقلانی و مراجعه به منابع و متخصصان واجد صلاحیت احراز می‌شود.

۶. الگوی اخلاقی مواجهه با اطلاعات دینی تولیدشده توسط هوش مصنوعی

تحلیل آیات و روایات نشان داد که مواجهه اخلاقی با اطلاعات دینی تولیدشده توسط سامانه‌های هوش مصنوعی مولد را نمی‌توان به اعتماد مطلق یا بی‌اعتمادی مطلق نسبت به این فناوری فروکاست. همچنین، چهار اصل مطرح‌شده در این پژوهش از استقراء همه آموزه‌های اخلاقی قرآن و حدیث به دست نیامده‌اند؛ بلکه پس از شناسایی مهم‌ترین چالش‌های مطرح در حوزه اخلاق هوش مصنوعی (یعنی اعتبار اطلاعات، مسئولیت معرفتی، عاملیت کاربر و مرجعیت در مسائل تخصصی) آیات و روایات مرتبط با هر یک از این چالش‌ها تحلیل و اصول اخلاقی متناظر با آن‌ها استخراج شده است. از این رو، این اصول ناظر به قلمرو خاص مواجهه کاربران با اطلاعات دینی تولیدشده توسط سامانه‌های هوش مصنوعی مولد هستند، نه همه ابعاد اخلاق اسلامی در حوزه فناوری. بر همین اساس، موضوعاتی مانند عدالت الگوریتمی، حریم خصوصی، امنیت داده‌ها یا عدم اضرار، هرچند از مسائل مهم اخلاق هوش مصنوعی‌اند، خارج از قلمرو این پژوهش قرار می‌گیرند.

برآیند این تحلیل‌ها، الگویی کاربرمحور برای استفاده مسئولانه از اطلاعات دینی تولیدشده توسط هوش مصنوعی ارائه می‌کند. این الگو چهار اصل پیش‌گفته را نه به صورت مراحل کاملاً خطی، بلکه به‌منزله اجزای یک فرایند به‌هم‌پیوسته در تصمیم‌گیری اخلاقی تبیین می‌کند؛ به‌گونه‌ای که بسته به نوع مسئله، ممکن است برخی مراحل هم‌زمان یا با بازگشت به مراحل پیشین انجام شوند. نخستین گام، اعتبارسنجی و راستی‌آزمایی اطلاعات است. کاربر باید پیش از پذیرش هر پاسخ، وجود واقعی منابع، صحت انتساب مطالب، اعتبار ارجاعات و امکان بررسی مستقل آن‌ها را ارزیابی کند. ارجاع یا منبعی که خود سامانه تولید می‌کند، تا زمانی که در منبعی مستقل احراز نشود، دلیل کافی بر اعتبار پاسخ نیست.



گام دوم، پذیرش مسئولیت معرفتی است. تصمیم نهایی درباره پذیرش، استناد، بازنشر یا عمل بر اساس اطلاعات دینی، همچنان بر عهده کاربر باقی می ماند و تولید پاسخ توسط سامانه، مسئولیت اخلاقی او را ساقط نمی کند؛ البته این مسئولیت، مسئولیت توسعه دهندگان، عرضه کنندگان سامانه، تولیدکنندگان داده و نهادهای ناظر را نفی نمی کند، بلکه در کنار مسئولیت آنان قرار می گیرد.

گام سوم، حفظ عاملیت معرفتی و اتکای سنجیده است. میزان اعتماد به خروجی سامانه باید با سطح دانش کاربر، نوع مسئله و پیامدهای احتمالی خطا متناسب باشد. استفاده از هوش مصنوعی برای جست و جوی منابع، خلاصه سازی یا دسته بندی اطلاعات، با اتکای مستقیم به آن برای استنباط احکام، اعتبارسنجی حدیث یا تفسیر قطعی آیات یکسان نیست. هرچه موضوع تخصصی تر، اختلافی تر یا دارای آثار عملی مهم تر باشد، ضرورت ارزیابی مستقل نیز افزایش می یابد.

سرانجام، اگر پاسخ ارائه شده نیازمند تخصص باشد، میان منابع اختلاف وجود داشته باشد، یا کاربر توان ارزیابی مستقل آن را نداشته باشد، فرایند باید به رجوع به مرجع معتبر منتهی شود. در این مرحله، مراجعه به متخصص واجد صلاحیت، بخشی از همان عقلانیت و عاملیت معرفتی است، نه جایگزین آن.

بر این اساس، الگوی پیشنهادی را می توان در چهار اقدام عملی خلاصه کرد: راستی آزمایی اطلاعات، پذیرش مسئولیت معرفتی، اتکای سنجیده و متناسب با سطح خطر، و رجوع به مرجع معتبر در مسائل تخصصی. در این الگو، هوش مصنوعی نه مرجع مستقل معرفت دینی است و نه ابزاری که باید به طور کامل کنار گذاشته شود؛ بلکه ابزاری کمکی برای جست و جو، سازمان دهی و دسترسی به اطلاعات است که ارزش خروجی های آن فقط در پرتو ارزیابی عقلانی، منابع معتبر و داوری انسان مسئول احراز می شود.

۷. نتیجه گیری

گسترش سامانه های هوش مصنوعی مولد و استفاده از آن ها برای دریافت پاسخ های اعتقادی، اخلاقی، تفسیری و فقهی، مسئله چگونگی مواجهه اخلاقی کاربران با اطلاعات دینی تولید شده توسط این سامانه ها را برجسته ساخته است. پژوهش حاضر با تمرکز بر این سطح از مسئله و با تحلیل آیات و روایات مرتبط، کوشید اصول راهنمای دریافت، ارزیابی و به کارگیری این اطلاعات را بازسازی کند.

یافته‌ها نشان داد که مواجهه اخلاقی با پاسخ‌های دینی هوش مصنوعی بر چهار اصل به هم پیوسته استوار است: اعتبارسنجی و راستی‌آزمایی اطلاعات، مسئولیت معرفتی و پاسخگویی اخلاقی، حفظ عاملیت معرفتی و اتکای سنجیده، و رجوع به مرجع معتبر در مسائل تخصصی. بر پایه این اصول، کاربر باید منابع و صحت انتساب مطالب را مستقل از سامانه بررسی کند، مسئولیت پذیرش و بازنشر اطلاعات را بر عهده گیرد، میزان اتکای خود را با سطح دانش و خطر تصمیم متناسب سازد و در مسائل تخصصی یا اختلافی به صاحبان صلاحیت علمی مراجعه کند.

برآیند پژوهش همچنین نشان می‌دهد که «مورد رجوع واقع شدن» یک سامانه با برخورداری از مرجعیت معرفتی یا دینی یکسان نیست. مرجعیت دینی، مطابق تعریف به کاررفته در این مقاله، افزون بر دسترسی به اطلاعات، مستلزم صلاحیت علمی، توان تحلیل و استنباط، التزام به قواعد معتبر، مسئولیت‌پذیری و امکان پاسخ‌گویی در برابر نتایج داوری است. از این رو، تولید پاسخ صحیح در مواردی خاص یا برخورداری از قابلیت فنی پیشرفته، به تنهایی برای احراز مرجعیت کافی نیست. حتی سامانه‌های تخصصی، بازیابی محور یا تحت نظارت انسانی نیز تا آنجا اعتبار دارند که منابع فرایند نظارت و صلاحیت کنشگران انسانی پشتیبان آن‌ها قابل احراز باشد. بنابراین، جایگاه مناسب هوش مصنوعی در حوزه دین، جایگاه ابزار کمک به جست‌وجو، سازمان‌دهی و عرضه اطلاعات است، نه مرجع مستقل داوری دینی.

نوآوری این پژوهش در نفی یا اثبات کلی مرجعیت هوش مصنوعی نیست، بلکه در ارائه یک چارچوب کاربرمحور و قرآن و حدیث‌محور برای مواجهه اخلاقی با اطلاعات دینی تولیدشده توسط سامانه‌های هوش مصنوعی مولد است. این چارچوب، میان اعتبار محتوا، مسئولیت تصمیم، عاملیت معرفتی و ضرورت رجوع به متخصص پیوند برقرار می‌کند و میزان اتکا به سامانه را تابع قابلیت راستی‌آزمایی، سطح تخصص کاربر و پیامد احتمالی خطا می‌داند.

الگوی پیشنهادی این پژوهش نشان می‌دهد که اخلاق مواجهه با اطلاعات دینی در عصر هوش مصنوعی، از منطق سنتی مراجعه به منابع فاصله نگرفته، بلکه با ظهور فناوری‌های نوین نیازمند بازخوانی و بازتطبیق همان اصول بنیادین است. اعتبارسنجی، مسئولیت معرفتی، حفظ عاملیت معرفتی و رجوع به مرجع معتبر، چهار اصل مستقل و منفک از یکدیگر نیستند، بلکه شبکه‌ای به هم پیوسته را تشکیل می‌دهند که هر یک مکمل دیگری است. در این چارچوب، هرچه مسئله



دینی از نظر علمی یا عملی حساس‌تر باشد، ضرورت راستی‌آزمایی، اتکای سنجیده و مراجعه به متخصص نیز افزایش می‌یابد. از این‌رو، الگوی ارائه‌شده صرفاً توصیه‌ای اخلاقی نیست، بلکه چارچوبی عملی برای تنظیم نسبت کاربر با اطلاعات دینی تولیدشده توسط سامانه‌های هوش مصنوعی مولد به شمار می‌آید.

این پژوهش با محدودیت‌هایی نیز همراه است. نخست، آیات و روایات بررسی‌شده به محورهای مرتبط با مواجهه معرفتی کاربر محدود بوده و مدعی احصای همه اصول اخلاق اسلامی درباره هوش مصنوعی نیست. دوم، پژوهش حاضر ارزیابی تجربی دقت یا رفتار مدل‌های خاص را دربر نمی‌گیرد. سوم، تفاوت دیدگاه‌های مذاهب اسلامی، انواع سامانه‌های مولد و مسئولیت تفصیلی توسعه‌دهندگان، شرکت‌ها و نهادهای ناظر خارج از دامنه اصلی تحقیق بوده است. از این‌رو، پژوهش‌های آینده می‌توانند این چارچوب را بر نمونه‌های واقعی پاسخ‌های دینی آزمایش کنند، تفاوت عملکرد سامانه‌های عمومی و تخصصی را بسنجند، و مسئولیت کنشگران نهادی و نیز تفاوت‌های مذهبی در ارزیابی اطلاعات دینی را به‌طور مستقل بررسی نمایند. با توجه به محدود بودن دامنه پژوهش به تحلیل متون دینی و تمرکز آن بر مسئولیت کاربر، بررسی تجربی کارآمدی این الگو در تعامل واقعی کاربران با سامانه‌های هوش مصنوعی مولد و نیز توسعه آن در سایر حوزه‌های اخلاق اسلامی می‌تواند موضوع پژوهش‌های آینده باشد.

فهرست منابع

*قرآن کریم

- ۱- ابن بابویه، محمد بن علی (شیخ صدوق). (۱۴۰۳ق). *معانی الأخبار*. قم: مؤسسه النشر الإسلامی التابعة لجماعة المدرسين.
- ۲- ابن بابویه، محمد بن علی (شیخ صدوق). (۱۴۱۶ق). *التوحيد*. قم: مؤسسه النشر الإسلامی التابعة لجماعة المدرسين فی الحوزة العلمية بقم.
- ۳- ابن عاشور، محمد طاهر. (۱۴۲۰ق). *التحرير والتنوير* (۳۰ ج). بیروت: مؤسسه التاريخ العربی. اسلامی، یاسر. (۱۴۰۴ش). «تحلیل مرجعیت در عصر «مفتی های الگوریتمی»: پیامدها و راهکارها. *فصلنامه اخلاق پژوهی*، ۸(۴)، ۲۴-۵.
- ۴- امیرشاه کرمی، سید جمال الدین، و بازویار، مجید. (۱۴۰۳). دین و رسانه های نوین؛ طرح پرسش دینی از بات های هوش مصنوعی. *مطالعات دینی رسانه*، ۶(۲۴)، ۱۵۲-۱۰۹.
- ۵- تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد. (۱۴۱۰ق). *غرر الحکم و درر الکلم*. قم: دار الكتاب الإسلامی.
- ۶- جمعی از محققان. (۱۳۹۷ش). *نقش ائمه و فقهای شیعه در فقه* (به اهتمام و نظارت سعید داودی). قم: انتشارات امام علی بن ابی طالب (ع).
- ۷- حسین زاده یزدی، محمد. (۱۳۸۴ش). معرفت لازم و کافی در دین: مروری بر عمده ترین مباحث معرفت شناسی دینی. *معرفت فلسفی*، ۲(۳)، ۴۳-۸۰.
- ۸- حسین زاده، محمد. (۱۳۹۳ش). *مبانی معرفت شناختی علوم انسانی در اندیشه اسلامی*. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- ۹- حیدری، کمال. (۱۴۴۱ق). *موسوعة الإمامة في الفكر الشيعي* (۱۲ ج). قم: دار الفرائد للطباعة والنشر والتوزيع.
- ۱۰- شریف رضی، محمد بن حسین. (۱۴۱۴ق). *نهج البلاغة*. تحقیق: صبحی صالح. قم: هجرت.
- ۱۱- طباطبایی، محمد حسین. (۱۴۱۷ق). *المیزان فی تفسیر القرآن* (۲۰ ج). بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.
- ۱۲- طبرسی، احمد بن علی. (۱۴۰۳ق). *الاحتجاج*. مشهد: نشر المرتضی.
- ۱۳- طوسی سعیدی، مسعود. (۱۴۰۴). تحلیل مقایسه ای دو رهیافت اخلاقی خوش بینانه و بدبینانه به توسعه هوش مصنوعی با تمرکز بر معضل شکاف مسئولیت. *مطالعات میان رشته ای اخلاق*، ۱(۲)، ۷-۲۴.
- ۱۴- طیبی، احمد (۱۴۰۴ش). چالش های الهیات فلسفی و کلامی (مورد مرجعیت دینی) در دوران جهانی شدن. *مطالعات بین رشته ای در رسانه و فرهنگ*، ۱۵(۱)، ۱-۳۲.

- ۱۵- العیاشی، محمد بن مسعود. (۱۳۸۰ ش). *تفسیر العیاشی* (هاشم رسولی محلاتی، مصحح، ۲ ج). تهران: المكتبة العلمية الإسلامية
- ۱۶- فضل الله، محمد حسین. (۱۴۱۹ ق). *من وحی القرآن* (۲۵ ج). بیروت: دار الملائک للطباعة والنشر و التوزیع.
- ۱۷- قرائتی، محسن. (۱۳۸۸ ش). *تفسیر نور* (۱۰ ج). تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
- ۱۸- قطب، سید. (۱۴۰۸ ق). *فی ظلال القرآن* (۶ ج). بیروت: دار الشروق.
- ۱۹- کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۳۶۳ ش). *الکافی*. تهران: دار الکتب الإسلامية.
- ۲۰- مکارم شیرازی، ناصر، آشتیانی، محمد رضا و همکاران. (۱۳۷۴ ش). *تفسیر نمونه* (۲۸ ج). تهران: دار الکتب الإسلامية.
- ۲۱- یوسفی هنومرور، علی، کربلایی پازوکی، علی، حسن‌زاده، صالح، و خلعتبری، حسام‌الدین. (۱۴۰۴). بررسی تأثیر هوش مصنوعی بر دینداری انسان معاصر (در سه حوزه انسان‌شناسی، ارزش‌شناسی و معرفت‌شناسی). *دوفصلنامه دین و ارتباطات*، ۳۲ (۲)، ۶۶۹-۶۲۷.
- 22- Afroogh, S., Akbari, A., Malone, E., Kargar, M., & Alambeigi, H. (2024). Trust in AI: Progress, Challenges, and Future Directions. *Humanities and Social Sciences Communications*, 11, Article 1568.
- 23- Floridi, L., & Sanders, J. W. (2004). On the Morality of Artificial Agents. *Minds and Machines*, 14(3), 349–379.
- 24- Floridi, L., Cows, J., Beltrametti, M., Chatila, R., Chazerand, P., Dignum, V., ... & Schafer, B. (2018). AI4People—An Ethical Framework for a Good AI Society: Opportunities, Risks, Principles, and Recommendations. *Minds and Machines*, 28(4), 689–707.
- 25- Geraci, R. M. (2008). Apocalyptic AI: Religion and the promise of artificial intelligence. *Journal of the American Academy of Religion*, 76(1), 138-166.
- 26- Glikson, E., & Woolley, A. W. (2020). Human trust in artificial intelligence: Review of empirical research. *Academy of management annals*, 14(2), 627-660.
- 27- Hagendorff, T. (2020). The ethics of AI ethics: An evaluation of guidelines. *Minds and Machines*, 30(1), 99–120.
- 28- Ji, Z., Lee, N., Frieske, R., Yu, T., Su, D., Xu, Y., Ishii, E., Bang, Y. J., Chen, D., Chan, H. S., Dai, W., Madotto, A., & Fung, P. (2023). Survey of Hallucination in Natural Language Generation. *ACM Computing Surveys*, 55(12), 1–38.
- 29- Jobin, A., Ienca, M., & Vayena, E. (2019). The global landscape of AI ethics guidelines. *Nature Machine Intelligence*, 1(9), 389–399.

- 30- Kazim, E., & Koshiyama, A. S. (2021). A high-level overview of AI ethics. *Patterns*, 2(9), 100314.
- 31- Matthias, A. (2004). The responsibility gap: Ascribing responsibility for the actions of learning automata. *Ethics and Information Technology*, 6(3), 175–183.
- 32- Oviedo, L. (2022). Artificial intelligence and theology: Looking for a positive—but not uncritical—reception. *Zygon*, 57(4), 938–952.
- 33- Risko, E. F., & Gilbert, S. J. (2016). Cognitive offloading. *Trends in Cognitive Sciences*, 20(9), 676–688.
- 34- Ryan, M. (2020). In AI We Trust: Ethics, Artificial Intelligence, and Reliability. *Science and Engineering Ethics*, 26(5), 2749–2767.
- 35- Sundar, S. S. (2020). Rise of machine agency: A framework for studying the psychology of human–AI interaction. *Journal of Computer-Mediated Communication*, 25(1), 74–88.